

دوستان و کاربران محترم سایت
با سلام

کتابی را که از این هفته قسمت اول آنرا در سایت ملاحظه می‌نمایید. دفتر اول از خاطرات این جانب است تحت عنوان «گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران» به روایت سعید شاهسوندی

این مجموعه به لحاظ تاریخی بیست و پنج سال از 1342 تا 1367 را مد نظر دارد. آغاز 1342 به اعتبار شورش معروف 15 خرداد است و نقشی که این شورش و سرکوب متعاقب آن در سیر تحولات ایران بازی می‌کند. می‌دانید که در پی این قیام خودانگیخته سرکوب تشدید شد، و میدان برای فعالیت‌های سیاسی به صورت احزاب علنی بسته. در همین زمان است که نیروهای سیاسی از نحل‌های مختلف به مبارزه مسلحانه و سرنگونی حکومت روی می‌آورند. از اینرو نسل ما را، نسل 15 خرداد نیز می‌نامند، چرا که آگاهی‌های سیاسی مستقیم ما از این زمان است. تاسیس سازمان مجاهدین نیز تحت تأثیر این ماجرا و نیز تحولات بین‌المللی در شهریور 1344 است. عضویت من هم در این سازمان از اواخر سال 47 و اوایل 48 شروع می‌شود. طرحی که برای خاطرات ریخته بودم بر اساس تاریخ از 42 آغاز می‌شد. به تاسیس سازمان مجاهدین در 44 می‌انجامید و از زمان عضویت خودم در این سازمان ادامه پیدا می‌کرد.

این زمان مسایلی نظیر ماهیت و محتوای مجاهدین از جنبه‌های گوناگون را شامل می‌شد. ضربه معروف شهریور 1350 و لو رفتن سازمان توسط ساواک و دستگیری قریب به اتفاق رهبران و مخفی شدن ما بقی کادرها از جمله خود من، سال‌های آغازین مبارزه مسلحانه و تجربیات آن دوران، تحولات و تغییر ایدئولوژی سازمان و کشتارهای درون گروهی، دستگیری من و ماجراهای زندان در سال‌های 54 تا 57 و بعد هم آزادی از زندان و فعالیت‌های مربوطه در سال‌های اولیه تاسیس جمهوری اسلامی تا 30 خرداد 60، بعد هم ماجراهای کردستان و رادیو مجاهد و سپس رفتن به اروپا و عراق و انقلاب ایدئولوژیکی آقای مسعود رجوی و رفتن ایشان به عراق و نقشی که سازمان مجاهدین در نزدیکی با عراق بازی کرد و سرانجام مسالهدار شدن و نوشته‌های اعتراضی که به رجوی نوشتم و پاسخ او و بالاخره ماجرای فروغ و شرکت من در آن و دوباره گرفتار غل و زنجیر و شلاق زندان شدن، تا خلاصی که خود ماجرای مفصل و شنیدنی دارد. این طرحی بود که در دست داشتم ولی حادثه‌ای خارج از تصمیم و اراده من این برنامه را به هم زد و آن این‌که آقای رجوی در پاسخ به نظرات انتقادی من سیاست کشیدن مار به جای نوشتن کلمه مار را در پیش گرفت.

ایشان صرف زنده‌بودن و نجات من از زندان جمهوری اسلامی را در بوق کرد تا نشان دهد که به قول ایشان من مزدور و دست‌نشانده و حتی بدتر، تیر خلاص زن و شکنجه‌گر جمهوری اسلامی هستم. البته در و انفسای آن سال‌ها تا حدی هم موفق شد.

دفتری که در پیش روی دارید به لحاظ حوادث در واقع می‌بایستی به‌عنوان جلد پنجم و یا ششم مجموعه خاطرات این جانب باشد ولی ضرورت توهم زدایی و کنار زدن حداقل اندکی از ابرهای تیره و تار دروغ و تهمت و افترا باعث شد تا با ذکر مقدمه و موخره‌ای آنرا به عنوان دفتر اول منتشر کنم.

تاریخ انتشار این دفتر سپتامبر 1996 در آلمان است. به دلیل ناتوانی مالی و به منظور صرفه‌جویی، تمامی صفحات آنرا در آن ایام خودم تایپ و صفحه‌بندی کردم. همین‌جا جادارد از کمک دوست عزیز علی رضوانی که در آن ایام در فرانکفورت ساکن بود و با راهنمایی او چاپخانه مناسبی برای چاپ کتاب پیدا کردم تشکر کنم.

شمارگان کتاب در چاپ اول 2000 نسخه بود که مدتی بعد تمامی نسخ آن به فروش رفت. و گرفتاری‌های روزمره زندگی اجازه بازنگری و تایپ مجدد آنرا نداد. تا اینکه اخیراً بعد از راه‌اندازی سایت مصمم به گذاشتن آن در سایت شدم. یادآوری این نکته نیز ضروری است که شماری از افراد و سایت‌ها قسمت‌های مختلفی از این کتاب را بدون اطلاع و گاه اجازه این جانب منتشر کردند. شماری از این جریان‌ها متأسفانه قسمت‌هایی از متن کتاب را که مطابق سلیقه و یا اعتقاد خودشان نبود به میل خود حذف کردند. این‌ها البته مانع از آن نمی‌شود که از کسانی که با نیت اطلاع رسانی مبادرت به نشر قسمت‌هایی از کتاب کردند تشکر نکنم.

طبیعی است که اگر اکنون من این مطالب را می‌نوشتم به گونه‌ای دیگر می‌نوشتم هر چند که به اصول پایه‌ای نوشته کماکان وفادار و باورمندم. من این نوشته را همان‌طور که در سال‌های پیش بوده می‌آورم. هر جا توضیحی لازم بود در میان [] قرار داده‌ام.

از این پس می‌توانید در منوی «اسناد مکاتبات مسعود رجوی و من» به تدریج این جلد از کتاب خاطرات را مطالعه فرمایید.

سعید شاهسوندی

اردیبهشت 87 برابر با مه 2008
هامبورگ.